

دو فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی
سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۹

بررسی و تحلیل نسخه خطی «طب منظوم» اثر عبدالکریم اعرج متخلص به عجزی^۱

مریم کمالوند^۲

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

دکتر احمدرضا یلمه‌ها^۳

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

دکتر مریم محمودی^۴

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

چکیده

یکی از منظومه‌های ناشناخته طبری قرن هشتم، نسخه طب منظوم اثر حکیم عبدالکریم اعرج متخلص به عجزی است که با شماره ۷۵۷ در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار نگهداری می‌شود و در ۶۸۹۶ بیت با خط نستعلیق کتابت شده است. این اثر در ۴۳۳ صفحه و در قالب مثنوی و وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنی مقصور) در قرن هشتم سروده شده است. هدف این نوشتار، بررسی و تحلیل نسخه طب منظوم و نیز آشنایی با مفاهیم پزشکی قرن هشتم، بیماری‌ها و روش درمان آن‌هاست. نگارندگان در این مقاله به

۱ تاریخ وصول: ۹۸/۶/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۲۷

^۲ maryamkamalvand۱۳۶۰@yahoo.com

^۳ ayalameha@dehaghan.ac.ir

^۴ m.mahmoodi۷۵@yahoo.com

بررسی این منظومه در سه سطح صوری و زبانی، سطح بلاغی و سطح فکری محتوایی می‌پردازند. نسخه طب منظوم حاوی اطلاعات طبی قرن هشتم است. سراینده این منظومه بیشتر طبیب بوده تا یک شاعر، به همین دلیل سطح ادبی این منظومه بسیار پایین است، اما از نظر علمی و محتوایی ارزشمند است. از ویژگی‌های این منظومه انتقال مفاهیم پزشکی به صورت ساده و موجز است.

واژه‌های کلیدی

نسخه خطی، منظومه‌های طبی، طبیبان شاعر، عبدالکریم اعرج، طب منظوم.

۱. مقدمه

نسخه‌های خطی دست‌نوشته‌های ارزشمندی هستند که قدمتی کهن دارند. این آثار نفیس در بردارنده قسمتی از علوم و فرهنگ‌های ملی هر سرزمینی هستند. بیرون آوردن آن‌ها از موزه‌ها و کتابخانه‌ها در بهره بردن از اطلاعات نهفته در آن‌ها ضروری است. با توجه به قدمت تاریخ طب، در ایران قدیمی‌ترین دست‌نوشته، نسخه طبی است. کهن‌ترین نثر علمی پارسی دری کتاب *آلابنیه عن حقایق الادویه* است که حکیم فرزانه ابومنصور موفق هروی در داروشناسی نگاشته است. بنابراین پیوند طب و ادبیات فارسی از همان آغاز پیدایش متون شکل می‌گیرد.

در تاریخ ادبیات جهان بسیارند طبیبانی که به آفرینش‌های ادبی معروف‌اند و در ادبیات فارسی نیز با عناوین و تخلص‌های عطار (نیشابوری/همدانی)، طبیب (اصفهانی/قمی)، مسیح و مانند آن مشهورند (کمالوند و مسجدی، ۱۳۹۵: ۴-۷). بعضی معتقدند طبیب و شاعر، شبیه به دو زنبورند که شیرۀ یک گل را مکیده‌اند. طبیب امراض اجتماعی مردم را با نسخه‌ای که به صورت شعر درآمده است، معالجه می‌کند.

در گذشته، حکیم شامل ادیب، فیلسوف، ریاضی دان، موسیقی دان، طبیب و... می شد. لقب حکیم هم برای طبیبان به کار می رفت و هم در میان شاعران افرادی لقب حکیم را گرفتند. مانند حکیم نظامی، حکیم ابوالقاسم فردوسی، حکیم سنایی و... . درباره رابطه ادبیات و طب سخن بسیار است. طبیبان شاعر، نبوغ خود را در شعر به کار برده اند. از جمله پورسینا، عطار نیشابوری، اسیری رازی، عبدالله قمی، ملک الاطباء شیرازی، علی نیاز، آتش اصفهانی، فضل الله همدانی و بسیاری دیگر از اطبا، از گذشته تا عصر حاضر از رباعی و غزل گرفته تا خلق منظومه های شعری ادبیات را در خدمت آموزش مطالب پزشکی گرفته اند.

از ویژگی های پزشکی ایران در گذشته استفاده از شعر برای یادگیری سریع و انتقال مفاهیم پزشکی، به مردم عامه است. این آموزه ها چه به صورت غیرمستقیم در آثار شاعران و چه مستقیم در قالب منظومه های طبی صورت گرفته است. منظومه های طبی در قرن های مختلف با اهداف متفاوتی نگارش شده است. از آنچه به دست ما رسیده است، این گونه به نظر می رسد که سرایش این منظومه ها از قرن چهارم قمری با *دانشنامه* میسری شروع شده است. از همان قرون آغازین شعر فارسی، باورهای طبی به صورت غیرمستقیم نیز وارد ادبیات می شوند؛ به طوری که در *شاهنامه* فردوسی، بزرگ ترین حماسه ملی ایرانی، نیز دیده می شود. از شگفتی های *شاهنامه*، نقش سیمرغ در تولد رستم و انجام عمل سزارین به روش بیهوشی با می و سپس شکافتن تهیگاه و به دنیا آمدن رستم است. به رغم اینکه فردوسی طبیب نبوده و تا هزار سال پس از آن چنین عملی صورت نگرفته است. فردوسی مراحل این جراحی را از قول سیمرغ نقل می کند. درباره سپیدی موی زال نیز بیان می شود: «امروزه نیز در ادبیات پزشکی به واژه آلبینسم که نوعی ناهنجاری مادرزادی است. مواد رنگی در موی سر و تن و مژگان وجود ندارد و به این دلیل این افراد همه موهای بدنشان یکسر سفید است» (سیاسی، ۱۳۸۹: ۲۴). ولی هیچ ترجمه ای بهتر از زالی برای این بیماری نیست.

هم زیستی ادبیات و طب در آثار طبیبان هم از جمله بوعلی سینا و عطار نیشابوری دیده

می‌شود. این روند ادامه پیدا می‌کند. اگرچه از قرن‌های چهارم تا قبل از تهاجم مغول که دوران طلایی طب اسلامی بود، تألیفات ارزشمند پزشکی بسیاری بر جا مانده است، منظومه‌ی طبی به ثبت نرسیده است. با وجود این رد پای طب در ادبیات در آثار شاعران و طبیبان آن روزگار همچنان مشهود است. با حمله‌ی مغول برای مدتی همه‌ی علوم از جمله طب و ادبیات دچار افول می‌شود اما مدتی پس از آن دوباره احیا می‌گردد. در کتاب‌های تاریخی بیان می‌شود: «مغول‌ها اگرچه وحشی بودند اما پس از مدتی مراوده با ایرانیان، کمی تغییر خلق دادند و تا حدی به علم و دانش به‌خصوص پزشکی علاقه‌مند شدند» (مالی، ۱۳۹۴: ۸۹). اندکی بعد با افول دوران طلایی پزشکی اسلامی، هیچگاه رونق و پیشرفت علمی به حوزه‌ی پزشکی بازنگشت. در قرن هفتم هجری با یورش مغول بر ایران، جنگ‌ها و ویرانی‌ها، تفکرات صوفی‌گرایانه، خرافه‌پرستی و عوامل دیگر جایگزین تفکر علمی شد. اگرچه پس از انقراض خلافت عباسی و قتل و غارت‌ها افول علم در همه‌ی زمینه‌ها به وجود آمد، در کتاب‌های تاریخی و طبی آمده است: «اما طب و تاریخ مصونیت نسبی خود را مدیون تمایل و خواهش فاتحان وحشی در حفظ سلامت خویش و کسب شهرت بودند» (براون، ۱۳۵۱: ۱۲۷). بعد از تقریباً حدود دو قرن سیطره‌ی قوم مغول، دوره‌ی دوم تهاجم این قوم که از سال ۷۳۸ تا ۸۱۲ ق به طول انجامید، باعث پیدایش سلسله‌ی طغاتی‌موریه شد. آن‌ها از نوادگان چنگیزخان بودند. در کتاب‌های تاریخی بیان می‌شود: «که تیمور از چنگیزخان با فرهنگ‌تر بود. او گفته بود که باید در تمام شهرهای تحت حکومت او یک بیمارستان، یک مسجد و یک مدرسه وجود داشته باشد» (قبادیانی، ۱۳۸۷: ۲۳۳). اگرچه تسلط مغولان نتیجه‌ی آنی جز مصیبت‌های مالی و علمی نداشت، نتایج نهایی خوبی هم برای ایران در بر داشت.

در قرن هشتم، دوباره منظومه‌های طبی سروده می‌شوند. منظومه‌ی مورد مطالعه‌ی ما از جمله‌ی این منظومه‌هاست. در حوزه‌ی ادبیات نیز حافظ یکی از بزرگ‌ترین غزل‌سرایان فارسی، از شاعران معاصر در این حوزه است. مضامین طبی در غزلیات او مشهود است. در این باره

بیان می‌شود: «اشارات طبی او اگرچه غالباً ناظر بر بیماری‌های روحی و در راستای وارستگی انسان با شفا بخش‌های الهی است، اما مانند مقولات تصوف و موسیقی و غیره، اصطلاحات طبی نیز در غزلیات او وسیله‌ای برای ایفاد نظریات حکیمانه و رندانه است» (مدنی، ۱۳۹۰: ۹؛ نیز نک: یلمه‌ها، ۱۳۸۵: ۷). اما در قرن نهم و دهم و مخصوصاً در دوران صفویه سرایش این منظومه‌ها به طرز چشمگیری افزایش یافته است. در این مورد بیان می‌شود: «اکثر پزشکان نامدار دوره صفویه افراد فوق‌العاده تحصیل کرده‌ای بودند. جای تعجب نیست وقتی می‌بینیم که اغلب ایشان شاعر بودند و اگر بخواهیم تحت عنوان کلی پزشکان شاعر مطلبی بنویسیم باید همه آن‌ها را نام ببریم» (الگود، ۱۳۵۷: ۱۳۳).

مهاجرت بسیاری از دانشمندان ایرانی از ایران به هندوستان سبب شد آثار بسیاری در آنجا تألیف و نگهداری شود. در دوران قاجار، اعزام اولین دانشجویان پزشکی به فرنگ صورت گرفت. پزشکان خارجی هم به دربار ایران آمدند و مراودات ایران و فرنگ صورت گرفت. تا آن زمان بیمارستان در ایران ساخته نشده بود و درمان در منزل انجام می‌گرفت. طب جدید اروپا به ایران راه یافت، درحالی‌که طب قدیم هم طرفداران خود را داشت. تا اینکه در زمان ناصرالدین شاه و صدرات امیرکبیر به تأسیس دارالفنون منجر شد. تأسیس دارالفنون به‌عنوان نقطه عطفی در علوم و پزشکی شد و بعد از آن رفته‌رفته دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها افتتاح شد و طب به شکل امروزی درآمد. در مورد طبیبان شاعر در آن عصر بیان می‌شود: «در عهد قاجار و حتی پس از آن عده‌ای از طبیبان بودند که علاوه بر پرداختن به طبابت در شعر و شاعری نیز دستی داشتند و در بیشتر مواقع هم، طبیب تخلص می‌کردند» (روستایی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۵۸-۱۶۵).

در عصر حاضر نیز طبیبان شاعری داریم از جمله نصرت‌الله قاسمی، مجدالدین فخرایی، عبدالله بهزادی، قاسم رسا، حسین گل‌گلاب و بسیاری دیگر از پزشکان فرزانه که در کنار طبابت به شعر و شاعری می‌پردازند و این سنت دیرینه را که از زمان بوعلی سینا شروع شده است، ادامه می‌دهند (برای نمونه‌های دیگر طبیبان شاعر معاصر نک: سیاسی، ۱۳۹۷: ۳۴۵).

۱-۱. پیشینه پژوهش

در ادبیات فارسی همان گونه که اشاره شد، شاعرانی بودند که با آموزه‌های پزشکی آشنا بودند و در آثار خود به کار می‌برند. همچنین طبیبانی که شعر نیز می‌گفتند. از میان نسخه‌های خطی که تاکنون به دست ما رسیده، چند منظومه‌ی طبی تاکنون معرفی و چاپ شده است. البته آثار بسیاری نیز در کتابخانه‌ها مهجور مانده و منتظر دست همت مصححان هستند که از خمول و گمنامی بیرون بیایند. برخی از آثار تصحیح شده عبارت‌اند از:

- اولین و قدیمی‌ترین منظومه‌ی طبی، *دانشنامه در علم پزشکی از حکیم میسری* است که کهنه‌ترین مجموعه‌ی طبی به شعر فارسی است این نسخه مربوط به قرن چهارم است (میسری، ۱۳۶۶).

- کتاب *شفاء المرض (طب شهابی)* است که مربوط به قرن هشتم است (قوام ناگواری، ۱۳۹۳).

- کتاب *طبی منظوم دیگر* که به چاپ رسیده، *طب یوسفی* است (یوسفی هروی، ۱۳۸۹).
- شرح رباعیات *طب یوسفی* که حکیم عبدالعظیم خان بر *طب یوسفی* نگاشته است. این کتاب نیز چاپ شده است (احمدخیشکی خورجوی، ۱۳۸۹).

- کتاب دیگری با عنوان *کلیات طب منظومه از محمدتقی ملک الاطباء* موجود است که به زبان عربی نگاشته شده است (ملک الاطباء، ۱۳۹۳). اثر دیگری از این مؤلف چاپ شده که شامل مجموعه‌ی طبی است و مشتمل بر چند مدخل است (همو، ۱۳۸۲).

- «معرفی منظومه‌ی طبی جامع الفوائد» حکیم یوسفی هروی از طبیبان دوران صفویه است (عمار تکار، ۱۳۹۴).

- «بررسی کتاب *طب منظوم اثر عبدالکریم اعرج متخلص به عجزی* (قرن هشتم قمری)» (کمالوند، ۱۳۹۷).

۲. معرفی نسخه

با توجه به پژوهش‌های به‌عمل‌آمده از این اثر، تاکنون نسخه دیگری یافت نشده و نسخه منحصربه‌فرد آن با عنوان طب منظوم، عبدالکریم اعرج متخلص به عجزی به شماره ۷۵۷، قفسه ۱۱، طبقه ۳، ردیف ۸ در کتابخانه تهران (مدرسه عالی سپهسالار) به خط نستعلیق در ۴۳۳ صفحه و ۲۱۶ برگ محفوظ است. تعداد ابیات این منظومه دارای ۶۸۹۶ بیت و در قرن ۸ سروده شده است. اشعار با جوهر مشکی و عنوان در صدر ابیات با جوهر قرمز و حاشیه قرمز درون کادر نوشته شده است. هر صفحه از نسخه تقریباً ۱۷ سطر دارد. رکابه‌نویسی در صفحه‌ها دیده می‌شود. اشعار متن با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز شده است. متأسفانه صفحه یا صفحه‌های آخر منظومه از بین رفته است و پایان آن مشخص نیست. این نسخه در قرن ۱۱ توسط کاتبی بی‌نام نگاشته شده است (درایتی، ۱۳۸۹: ج ۷، ۲۹۷). این منظومه بر وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن بحر رمل مثنی مقصور سروده شده است. انتخاب وزن و قالب مثنوی با توجه به موضوع و داشتن ظرفیت بالا برای سرودن و بیان مطالب دامنه‌دار در خصوص علم پزشکی مناسب است. همچنین نسخه دارای یک رکابه در قسمت اخلاط اربعه است. قصیده‌ای در وزن فاعلاتن مفاعلن فعلن بحر خفیف در ۲۴ بیت که احتمالاً این قصیده توسط کاتب سروده شده است.

آغاز منظومه:

داد جان با مشت خاکی ساختن آنکه عظیم
جمله اسما بدو آموخت با چندین حکم
(اعرج: ۱)

حمد بی حد آن حکیمی را که از لطف عمیم
چون که آدم را پدید آورد از کتم عدم

انجام:

مانده است از هفت پیغمبر به عالم یادگار
بعد از آن آمد خطاب حق به موسی کلیم
(همان: ۲۱۶)

ای برادر این طبابت نیست اکنون سهل کار
آدم و ادريس و ابراهيم و لقمان حکيم

منظومه با مناجات و تحمیدیه آغاز می‌شود. به دنبال آن، سراینده در بیان سبب نظم کتاب به این نکته اشاره می‌کند که علم طب دارای فضیلتی است که حتی بر علم دین مقدم شده است.

گر شدی بیمار ماندی دور از امر خدا زین سبب تقدیم کرده علم طب را مصطفی

(همان: ۱)

او سبب نظم کتاب را ندای درونی و هاتف غیبی می‌داند و اشاره می‌کند که در سن پنجاه سالگی شروع به کتابت کرده است؛ زیرا می‌خواهد از خود کار خیری به یادگار بگذارد. نگارنده خود به سال دقیق تألیف اثر و نام آن اشاره کرده است:

هفتصد و هشتاد بود از سال هجرت آن زمان کردم این نظم ابتدا از عون حی مستعان
طب منظوم است نام این کتاب مختصر یاد گیرش تا شوی از علم حکمت باخبر

(همان: ۲)

همچنین به فرمانروای آن دوران اشاره می‌کند:

شهریار عدل گستر سرفراز دو جهان پشت اسلام و پناه خلق عیب‌الله خان

(همان)

سال کتابت این منظومه ۷۸۰ هجری بیان شده است. عجزی در هیچ جای منظومه درباره مکان زندگی خود اشاره‌ای نکرده است. این تاریخ با توجه به منابع تاریخی عصر مغول در عراق دوران سلطنت سلطان حسین ابن شیخ اویس (۷۷۶-۷۸۴) و سلطان احمد ابن شیخ اویس (۷۸۴-۸۱۳) است که آذربایجان و تبریز را نیز بر ممالک خود افزودند (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۵: ۴۶۵). در آن تاریخ در ایران، ایالات شرقی به دست آل مظفر افتاد. ولی این طایفه مدتی با شیخ ابواسحاق و سایر افراد خاندان اینجو که در اصفهان مقیم بودند کشمکش افتاد. خراسان شمال شرقی مدت‌ها مورد نزاع بین سربداران و ملوک کرت بود تا آنکه امیر تیمور در یورش‌های ۷۸۷ تا ۷۹۶ آن ناحیه را مسخر کرد (لین پول، ۱۳۶۳: ۲۱۸). بنابراین مشخص نیست

که عبیدالله خان لقب حکمران محلی بوده که در منطقه‌ای خاص فرمانروایی کرده است. در کتاب‌های تاریخی بیان می‌شود: چنانچه یکی از شاهان محلی خودتسلیم مغولان می‌شد، آنان طی یک قرارداد کتبی فرمانروایی سرزمین او را به وی واگذار می‌کردند. به همین سبب است که برخی از خاندان پادشاهان محلی ایران در سراسر و یا قسمتی از دوران فرمانروایی ایلخانیان باقی مانده‌اند (اشپولر، ۱۳۶۵: ۳۶۰). متأسفانه صفحه آخر این منظومه از بین رفته است و تاریخ اتمام آن مشخص نیست. این منظومه مشتمل بر چهار مقاله و خاتمه است:

- مقاله اول: این مقاله در قسم علمی طب نگاشته شده که خود بر چهار قسمت تقسیم شده است. قسمت اول در امور طبیعه که در هفت فصل عنوان شده است. قسم دوم در مقاله اول در بیان احوال بدن انسان نگاشته شده است. قسم سوم از مقاله اول در بیان اسباب صحت مرض سته سروده شده است. قسم چهارم از مقاله اول در بیان علامات است که دو باب و هشت گفتار دارد. باب دوم از این مقاله در مورد بول و قاروره و احوال و اوصاف آن نگاشته شده است.

- مقاله دوم از مقالات کتاب شامل قسم عمل طب که مشتمل بر دو جزء است: جزء اول در بیان حفظ صحت که شامل ۷ گفتار و یک فصل است. جزء دوم این مقاله که در بیان علم علاج به قول کلی سخن گفته است. در این مقاله یک باب در احکام اغذیه مفرد و مرکب نگاشته شده است که به احکام اغذیه و ادویه و بیان درجات ادویه می‌پردازد و شامل ۴۹ ادویه است که ابتدا به شرح اجمالی آن‌ها پرداخته و سپس هر یک را شرح داده است.

- مقاله سوم درباره معالجات امراض هر عضوی از سر تا پا نوشته شده که مشتمل بر ده گفتار است. گفتار اول شامل پانزده فصل است که در آن به بررسی انواع بیماری‌ها و راه‌های درمان آن‌ها سخن گفته است. گفتار دوم در امراض چشم نگاشته شده که مشتمل بر پانزده فصل است. گفتار سوم در امراض گوش و بینی که نه فصل دارد. گفتار چهارم در امراض دهان و حلق که شامل یازده فصل است. گفتار پنجم در تعراض صدور و قلب بیان شده که

شامل نه فصل است. گفتار ششم در امراض معده و جگر و سپرز بیان شده و این گفتار مشتمل بر پانزده فصل است. گفتار هفتم در امراض روده و مقعد نوشته شده و مشتمل بر دوازده فصل است. گفتار هشتم در امراض گرده و مثانه و اعضای نقاس مشتمل بر دوازده فصل به تحریر درآمده است. گفتار نهم در امراضی که مخصوص زنان است سروده شده و نه فصل دارد. گفتار دهم از امراض پشت و تهیگاه و سرورن و گروهه دوپای نگاشته شده، این گفتار شامل پنج فصل است.

– مقاله چهارم در بیان اعراض عام مشتمل بر شش گفتار سروده شده است. گفتار اول در وجع المفاصل و انواع اسباب و علامات و معالجات آنهاست و این گفتار چهار فصل دارد. گفتار دوم در حمیات یعنی تبها و انواع آن و روزهای بحران بیان شده و مشتمل بر سیزده فصل است. گفتار سوم در اورام و بُثور مشتمل بر شانزده فصل است. گفتار چهارم در زیت و امراض موی و بشره نگاشته شده است. گفتار پنجم در مرض ضربه و سقطه در دوی مَجهری یعنی شکسته‌بندی و سرمابردگی و خشکی آتش و... و جراحی سروده شده است که مشتمل بر هفت فصل است. گفتار ششم در طرد هوام یعنی گزیدن گزندگان و تدبیر گزیدن مار و قنده و کژدم و مانند آن و شناختن انواع زهرها و علاج آن کس که او را زهر داده باشند، بیان شده که مشتمل بر شش فصل است.

سرانجام خاتمه کتاب که در مورد نصایح و سخنان مفید که برای طبیان لازم است آورده شده است. که با این بیت شروع می‌شود:

کردم این نظم همایون را به عون حق تمام فایده در خوان نهادم بهر نفع خاص و عام
(اعرج: ۲۱۵)

و با این بیت به اتمام می‌رسد:

آدم و ادريس و ابراهيم و لقمان حکيم بعد از آن آمد خطاب حق به موسای کلیم
(همان: ۲۱۶)

۳. احوال مؤلف

متأسفانه به‌رغم جست‌وجو در تذکره‌های مختلف و کتاب‌های تاریخ ادبیات، هیچ اشاره‌ای به سراینده این اثر یافت نشد. ظاهراً وی برای تذکره‌نویسان شناخته‌شده نبوده و یا تنها اثرش در دسترس آن‌ها نبوده است. البته از آنجا که ما امروزه آنچه درباره احوال و آثار شاعران و نویسندگان گذشته می‌دانیم، یا به‌وسیله نوشته خود آن‌هاست و یا به‌وسیله تاریخ‌ها و تذکره‌هاست (نظمی تبریزی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۲۹). خوشبختانه در خصوص این مؤلف، خود در چند جا نام، تخلص، سال تألیف، فرمانروای معاصر و نام اثر را ذکر کرده است که در معرفی نسخه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

معرفی نام:

بنده عبد کریم اعرج بود عبد ضعیف صرف کرده عمر خود را اندرین علم شریف

(اعرج: ۱)

تخلص:

بعد حمد خالق و نعت همه پیغمبران بشنو از عجزی تو نظمی جان‌فزا با گوش جان
عجزیا بگذشت از عمرت کنون پنجاه سال مرغ روح را گرفت از محنت گیتی ملال

(همان)

از ابیات او می‌توان نتیجه گرفت که «اعرج»، لنگ بوده است. او این نقصان بدن را به‌عنوان لقب برای خود انتخاب می‌کند. طبق گفته سراینده، او طبابت را به‌شکل موروثی آموخته است و پدرش نیز طبیب بوده است. در مورد موروثی بودن طب آمده است: «در روزگار قدیم که طبابت تا حدودی ارثی بود و پدر بر پسر و پسر بر پدر، بچه‌ها طبیب می‌شدند. آن‌ها که اهل شعر و ادب بودند. این میراث را هم از پدر به ارث می‌بردند» (سیاسی، ۱۳۹۷: ۹). با توجه به اشعار او می‌توان نتیجه گرفت که در سن بیست‌سالگی به طبابت پرداخته و در سن پنجاه‌سالگی به نگارش این منظومه پرداخته است.

بود این علم شریف او کسب کرده از پدر
 داشت موروثی طبابت را نه از جای دگر
 مدت سی سال بد آورده طب را در عمل
 کرده درویش و غنی را خدمتی در هر محل
 عجزیا بگذشت از عمرت کنون پنجاه سال
 مرغ روحت را گرفت از محنت گیتی ملال
 (اعرج: ۱)

سراینده اشاره می‌کند که در سن پنجاه‌سالگی شروع به نظم این اثر کرده که مقارن با سال ۷۸۰ هجری است. بنابراین ولادت او سال ۷۳۰ هجری است. او هیچ اشاره‌ای به زادگاه یا محل سکونت خود نکرده است. این زمان معاصر با دوران سلطنت ابو سعید بهادر خان بن اولجایتو (۷۱۶-۷۳۶) از آخرین ایلخانان است که بعد از او سلسله ایلخانیان به سرعت رو به انحطاط گذاشت (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰: ۳۷۸). همچنین در زمان وزارت خواجه غیاث‌الدین فرزند خواجه رشیدالدین فضل‌الله از بزرگان اهل ادب است. این عصر از دیدگاه فرهنگی یکی از درخشان‌ترین روزگار تاریخ اسلامی است. دورانی که با پدیده‌ای چون حافظ و رقیبانش درخششی چشمگیر داشت (لوسین، ۱۳۸۴: ۱۵۶).

۴. ویژگی‌های سبکی نسخه

۴-۱. سطح صوری و زبانی

یکی از روش‌های شناخت منظومه‌ها برای دستیابی به میزان هنر سراینده و استفاده او از ظرفیت‌های کلامی برای خلق اثر، بررسی سطح صوری و زبانی است. از جمله ویژگی‌های صوری و زبانی شاعران سبک عراقی این است که زبان شاعران نسبتاً جدیدتر است. کهنگی لفظ کمتر دیده می‌شود. واژه‌های عربی فراوان استفاده می‌شود (غلامرضایی، ۱۳۸۱: ۱۴۷). درباره این منظومه هم ویژگی‌های کلی فوق صادق است.

کلمات متروک و کهن در این منظومه دیده می‌شود؛ مانند: اشتهالنگ پا = قاب پا، نشک = عدس، اندفاع = دورشدن، قمل = شپش، سحیق = مرد یک چشم، جغرات = ماست چکیده، رخبین = دوغ ترش.

کلمات و اصطلاحات تخصصی طب سنتی فراوان به کار رفته است؛ مانند: قاروره = شیشه، حکه = خارش، محجمه = وسیله حجامت، سعوط = دارویی که به بینی ریخته می شود، تفسره = نمونه ادرار.

از زمان ظهور اسلام و همزیستی آن با ادب فارسی، به کارگیری آیات و احادیث و همچنین واژه های عربی رواج داشته است. اوج این توجه در سبک عراقی به چشم می خورد. این منظومه نیز که در آن روزگار سروده شده است از این قانون مستثنا نیست. کاربرد لغات عربی در این منظومه فراوان دیده می شود؛ مانند: جلسا = همنشینان، فاتح = گشاینده، کاسر = شکننده، فاسخ = تباه و فاسدکننده، عظمی = استخوانی، احمر = قرمز، ابیض = سفید، فجائی = آنی، تنحنح = سرفه کردن.

اغلب ترکیب های به کار رفته به صورت عربی بیان شده است. مانند: حوامل (حامله ها)، اسقاط (سقطه ها). ناظم همچنین در سرتاسر کتاب از اصطلاحات عربی استفاده کرده است. کلمات رکیک در این نسخه استفاده نشده و ناظم، عفت کلام را رعایت کرده است. لغات عامیانه در این منظومه دیده نمی شود.

۲-۴. ویژگی های آوایی

- وزن: این منظومه در وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن سروده شده است.
- بحر: رمل مثنی مقصور.
- قالب: این اثر در قالب مثنوی سروده شده است که با توجه به موضوع و داشتن ظرفیت بالا برای سرودن و بیان مطالب دامنه دار در خصوص طب مناسب است.
- ردیف: یکی از ویژگی های شعر فارسی مخصوصاً در این دوره، توجه به ردیف است. در این منظومه فعل ربطی «است» در ۳۶۵ بیت ردیف واقع شده است. نمونه های آن بیت های شماره ۳۷۲، ۴۰۱، ۱۷۷۹، ۲۱۲۱-۲۶۴۸، ۳۱۸۰، ۳۹۴۴، ۴۹۱۴، ۵۲۹۶ و ۶۵۲۴ می شود زایل مرض هایی که ضد آن هواست آن مرض ها را بیانی گر کنم پیشت رواست (اعرج: ۱۲)

- قافیه: در این منظومه سراینده از اختیارات شاعری استفاده کرده است. یکی از اختیارات شاعری اختلاف در حرف روی است. «هرگاه روی دو هجای قافیه متحرک شود، یعنی بعد از آن مصوت بیاید، شاعر مختار می‌شود که همسانی مصوت کوتاه هجا را رعایت نکند» (شمیسا، ۱۳۶۷: ۱۰۳). برای نمونه بیت‌های شماره ۱۳۸۵، ۲۳۱۸، ۲۹۴۱ و ۳۷۴۱.

تا سرودی شوق داری اندک زو بخور چون بگیرد خواب ترکش تا نبود ضرر
(اعرج: ۴۳)

در ابیاتی عیوب قافیه مشهود است. البته برخی از آن‌ها ممکن است خطای کاتب باشد. برخی از این عیوب به شرح زیر است:

۱. اکفا: عیب قافیه‌هایی است که روی آن‌ها در تلفظ یکسان یا نزدیک به هم ولی در نوشتن متفاوت باشد (شمیسا، ۱۳۶۷: ۱۰۷). سراینده در این منظومه انواع «ظ، ز، ض» را با هم قافیه کرده است؛ مانند بیت‌های ۸۴۲، ۱۰۰۸، ۱۳۸۰ و ۴۵۳۳. «ک، گ» را در بیت ۶۴۳۴ قافیه کرده است. «س، ش» را در بیت ۵۰۳۷ با هم قافیه کرده است. همچنین «غ، ق» در بیت ۵۷۹۷ قافیه کرده است. «ب، ف» را در بیت ۴۴۳۷ با هم قافیه کرده است. «ه، ت» را در بیت ۴۷۰۲ و «ث، س» در بیت‌های ۳۴۹۵ و ۵۲۲۷ قافیه کرده است.

یک کف از کشیر خشک [و] سه درم تخم کشوت

سه درم از کاسنی بستان به قول جالینوس

(اعرج: ۱۰۹)

۲. اقوا: «هرگاه در هجای قافیه همسانی مصوت بر خلاف قاعده رعایت نشود، قافیه دارای اقوا خواهد بود» (شمیسا، ۱۳۶۷: ۱۰۷). سراینده در ۳۵ بیت قافیه را رعایت نکرده و دو کلمه متفاوت را با هم قافیه کرده است؛ مانند ۲۳۰، ۶۷۳، ۱۸۷۸، ۴۷۹۶، ۴۸۴۸ و ۵۷۸۵.

جنس دهم انفعالاتی که این نفسانیست همچو شادی و غم و قهر و فرح ای نکته‌دان

(اعرج: ۷)

۳. یکی دیگر از ویژگی‌های قافیه تجنیس است. در علم قافیه به معنی آوردن انواع جناس در محل قافیه است (شمیسا، ۱۳۶۷: ۱۱۴). در این منظومه ۸ بیت نیز انواع جناس قافیه شده است. مانند بیت‌های ۱۸۴، ۲۱۹، ۲۳۴ و ۴۲۰.

شرح دو نوع عصب بر تو بیان سازم روان
تا ز حکمت‌های او در تن بیاساید روان
(اعرج: ۶)

۳-۴. ویژگی‌های نحوی

جابه‌جایی ارکان جمله در نظم، یک امر طبیعی است که برای خلق زیبایی شعر بایسته است. در این منظومه ترکیب ارکان جمله‌ها زیاد دشوار نیست. اغلب با جابه‌جایی یکی دو عنصر در جمله می‌توان آن را به نثر تبدیل کرد. از ویژگی‌های نحوی این منظومه تقدیم فعل بر ارکان دیگر جمله است. سراینده برای تأکید و جلب توجه مخاطب از این موضوع بهره برده است. برای مثال:

بعد حمد خالق و نعت همه پیغمبران
بشنو از عجزی تو نظمی جان‌فزا با گوش جان
(اعرج: ۱)

روی هم‌رفته در این منظومه بررسی جملات از نظر محور همنشینی و ساخت‌های غیرمتعارف، کوتاه یا بلند بودن جملات و کاربردهای کهن دستوری دیده نمی‌شود. واحد جمله در این منظومه در اکثر بیت‌ها، مصراع است.

۴-۴. سطح بلاغی

با توجه به این نکته که هدف سراینده از خلق این منظومه، آموزش مفاهیم طبی بوده، توجه چندانی به هنرنمایی شاعرانه نداشته است. از آنجایی که بسامد، معیار شاخص سبک ادبی است، باید گفت در این منظومه مورد سبکی خاصی مشاهده نمی‌شود. چون شاعر از ابزار ادبی و دانش‌های بیانی کم بهره برده است. نمونه‌های به‌کاررفته مانند تضادها، مراعات نظیرها و حتی تضمین‌ها نیز در خدمت تعلیم مفاهیم پزشکی قرار دارند. بنابراین این منظومه

از نظر سطح ادبی جایگاه چندانی ندارد و ارزش علمی دارد و محتوای آن ارزشمند است. نمونه‌ای از آرایه‌های ادبی کتاب:

۱. تضمین

در حدیث مصطفی العلم علمان آمده اولش علم بدن پس علم ادیان آمده
(اعرج: ۱)

۲. مراعات النظیر

سامعه با شامه و هم باصره هم ذایقه لامسه زین هفت زوج آمد حواس ظاهره
(همان: ۷)

۳. تضاد

گرمی و سردی بود با ماده لازم بدان تری و خشکی بود لازم به صورت بی‌گمان
(همان: ۱۴)

۴. ضرب‌المثل

بول حیوانات را باید بدانی حال آن تا نمایی همچو خر در گل به وقت امتحان
(همان: ۳۷)

۵. تشبیهات

یارب این خاقان عادل چون مدار عالم است

در شجاعت رستم و اندر سخاوت حاتم است
(همان: ۲)

۶. جناس

شرح دو نوع عصب بر تو بیان سازم روان تا ز حکمت‌های او در تن بیاساید روان
(همان: ۶)

۴-۵. سطح فکری (محتوایی)

سطح فکری نسخه در ابتدا و انتهای منظومه مشخص است. عجزی می‌گوید: این منظومه برای انگیزه‌های مادی سروده نشده، بلکه هدفش برای سرودن منظومه رساندن خیر به مردم است. سراینده معتقد است حفظ سلامتی بر هر فردی واجب است؛ زیرا برای اطاعت از خداوند نیز باید بدن سالم داشت. او بر حساست نکردن در امر آموزش مطالب تأکید دارد. بنابراین به منظور آموزش مطالب پزشکی برای عموم، به خلق این اثر می‌پردازد. البته مقدمه کوتاهی در مدح حکمران زمان آورده که با توجه به زمان امری طبیعی است. سپس مطابق با کتاب‌های طبی گذشته، مطالبی در مورد ارکان و عناصر اربعه (آتش، هوا، آب، خاک)، اخلاط اربعه (خون، صفرا، بلغم، سودا) و مزاج‌ها (گرم و تر، گرم و خشک، سرد و تر، سرد و خشک) بیان کرده است. از نکات حائز اهمیت این منظومه، گفتاری در بیان اسامی ادویه مفرده و خواص آنهاست. حکیم ۴۹ ادویه مفرده را اول به طریق اجمالی ذکر کرده و بعد از آن به شرح هریک پرداخته است. سپس روش‌های ترکیب کردن و کاربرد آنها را در درمان بیماری‌ها بیان کرده است. ۱۳۵ بیماری از سر تا پا که حکیم عجزی به شرح هریک از آنها، علائم، راه‌های درمان و روش ساختن داروهای مناسب برای هریک از آنها پرداخته است. برای نمونه در خصوص گند شدن دندان که در کتاب‌های طبی مطالبی آورده است: «دندان را خدر افتد از چیزهای ترش و خدر نیفتد الا عصب را و این سخت قوی است ولکن خدر چیز دیگر بود و درد داشتن چیز دیگر» (الاخوینی البخاری، ۱۳۷۱: ۲۹۶). برای اولین بار در منظومه‌های طبی در این منظومه به روش درمان آن اشاره کرده است.

گر ز قی کردن شود دندان تو گُند ای پسر
یا ز ترشی خوردن بسیار یابد او ضرر
برگ زردآلو و برگ خرفه خاییدن نکوست
مغز بادام ار بخایی نیز نافع بهر اوست
(اعرج: ۸۶)

یکی از بیماری‌هایی که در منظومه‌های طبی دیگر مشاهده نمی‌شود، ریاح الافرسه است. در کتاب‌های طبی در مورد این بیماری نقل شده: «کوزی را به تازی ریاح الافرسه خوانند.

این بیماری در اول علاج می‌پذیرد. اما چون کوز بزرگ شد دیگر علاج ندارد. یک نوع از این بیماری به سبب خراجی بود که از سمت معده بر پشت مازه برمی‌آید و بر مهره‌های پشت فشار می‌آورد تا پشت دو تا گردد. نوع دیگر به سبب باد به وجود می‌آید» (الاخوینی البخاری، ۱۳۷۱: ۵۷۸). عجزی در قسمت وجع المفاصل به این بیماری پرداخته است. او می‌گوید: اگر مهره‌ها از جای خود از پشت کس بیرون رود، آن کس را گوژ پشت و حدبه خوانند. اگر به سمت پیش بیرون آید حدبه و اگر پس بیرون باشد ریح الافرسه خوانند. این بیماری بیشتر در کودکان حادث می‌شود. چون علت آن رطوبات غلیظ است و از بسیاری خوردن حاصل می‌شود؛ زیرا غذا خام می‌ماند و هضم کامل انجام نمی‌شود. درمان آن مانند درمان فالج است و مرهم‌های گرم باید بر آن قرار داد سپس ساخت ضمادی را از نسخه طب الملوک بیان می‌کند.

بیماری دوالی و داء الفیل که امروزه کمتر نامی از آن می‌شنویم. در گذشته بیماری بود که بر رگ پاهای حاملان پدید می‌آمد. عجزی در این باره می‌نویسد: اگر ساق پا مانند ساق فیل درشت شود نام این بیماری داء الفیل است و آن مانند دوالی است. اما بین آن‌ها فرق است. در دوالی ماده محکم است و رگ مقیم. در داء الفیل رگ در لحم پای می‌رود، ماده لطیف بود. علت آن کثرت سوداست و گاهی هم از بلغم است. اگر ماده تیز باشد ایجاد ریش کند و قرچه به وجود می‌آید. گاهی تبدیل به آکله می‌شود و آن عضو را فاسد می‌کند و گاهی باید پا را برید. پس داء الفیل از دوالی بدتر است. روش درمان آن فصد کردن و مسهل سودا دادن و مالیدن ضمادات است.

از نکات قابل توجه در این منظومه، اخلاق پزشکی است. از توصیه‌های حکیم برای طبیبان بر حذر کردن از خدمت به اهل حکومت و پادشاهان است. مخصوصاً آن‌هایی که حکیم دیگری در خدمت دارند؛ زیرا اگر ببینند که تو مشغول علاج هستی، دوست ندارند تو در کارت پیشرفت کنی. برخلاف آن چیزی که تو دستور دادی از غذا و دوا عمل می‌کنند و

باعث بدبین شدن حاکم یا فرمانروا می‌شوند و رنج تو ضایع می‌شود. او می‌گوید به افراد عالی مقام هم خدمت نکن. چون به سبب غروری که دارند دستورات تو را نادیده می‌گیرند بنابراین خدمت فقیران و غریبان را کن؛ زیرا هم به حرف تو گوش می‌دهند، برای تو دعا می‌کنند و هم به تو پاداش می‌دهند. افراد عالم را هم تا می‌توانی خدمت کن تا خدا و پیامبر از تو راضی باشند. همچنین یکی از اصول اخلاق پزشکی را به زیبایی بیان می‌کند.

پانزدهم کار او با کس نباشد کبر و لاف گر خطا صادر شود از وی نماید اعتراف

(اعرج: ۲۱۵)

از نکات قوت این منظومه اشاره به تعداد بسیاری از نام پزشکان و منابع مهم طب سنتی است. در متن نسخه، نام ۱۹ طبیب آمده است. این طبیبان به ترتیب بیشترین تعداد استناد شده در نسخه عبارت‌اند از: مکی، بوعلی سینا، مولانا صلاح‌الدین، مولانا غیاث‌الدین، سید اسماعیل جرجانی، رازی، جالینوس، اثابت ابن قره، یحیی ابن ماسویه، سید ابوالحسن، بقراط، لقمان، مولانا فضل‌الله تبریزی، مولانا میرکلان، مولانا عبدالله حکیم، جامع دمشقی، شیخ نجیب سمرقندی، مولانا عبدالدین و استاد ظریف که مشخص نیست منظور او چه شخصی است. او بیشترین استناد خود را از مکی و ابن سینا داشته است. استفاده از ۱۲ کتاب طبی معتبر از جمله موجز، قانون، اختیارات بدیعی، اسباب‌العلامات، طب‌الملوک، شرح کلیات علامه، قرابادین، ذخیره خوارزمشاهی، کامل‌الصناعه، براء‌الساعه، حاوی، تحفه‌السعدیه و منهاج. بیشترین استناد سراینده به موجز و قانون ابن سیناست. استفاده از کتاب اختیارات بدیعی به تاریخ ۷۲۹-۸۰۶ق دسترسی سراینده را به آخرین دستاوردهای طبی زمان خود نشان می‌دهد. عجزی در این منظومه برای توضیح بیماری‌ها، علائم، روش‌های درمان، دستوراتی برای ساخت انواع قرص، ضماد، شربت، مرهم، شاف، بخور، سفوف و نظایر آن آورده است. علاوه بر تجربیات خود از آثار این حکیمان نیز بهره برده است.

گفت یحیی ابن ماسویه حکیم نکته‌دان تجربه کردم من این را نفع دیدم بی‌گمان

برگ شفتالو اگر کوبد کسی آبش خورد
 زان شود اسهال و حبّ القرع را بیرون برد
 (اعرج: ۱۲۵)

ابوعلی سینا یکی از پزشکان و دانشمندان ایرانی است که آثار ارزشمندی در علوم مختلف از خود به یادگار گذاشته است. او حتی ذوق و قریحه ادبی خود را در سرودن شعر به فارسی و عربی به کار برده است. «مجموعاً آنچه از اشعار فارسی منسوب به پورسینا در دست است، بیش از ۶۵ بیت نیست که عبارت از بیست و دو قطعه و رباعی است. علاوه بر آن چند قطعه و غزل از او به پارسی بر جای مانده است» (سیاسی، ۱۳۹۷: ۴۲۹؛ نیز صفا، ۱۳۷۱: ۳۰۷). یکی از خاورشناسان آلمانی به نام هرمان اته، در مقاله‌ای تحت عنوان ابن سینا به‌عنوان شاعر غزل‌سرای فارسی آورده است (نجم‌آبادی، ۱۳۶۶: ج ۲، ۵۲۳). سعید نفیسی در مقاله‌ای با عنوان «آثار فارسی ابن سینا» تمام ۶۵ بیت را از منابع تذکره‌ها، کشکول‌ها، فرهنگ‌ها و سفینه‌ها بیان کرده است (نفیسی، ۱۳۱۶: ۱۲۰۰-۱۲۱۱). عجزی در این منظومه سه بیت را از قول ابوعلی سینا نقل کرده است. این گونه به نظر می‌رسد که این سه بیت تاکنون در جایی به نام ابوعلی سینا ثبت نشده و برای اولین بار مستقیماً از قول ابوعلی در این منظومه بیان شده است. این ابیات در وزن فاعلاتن مفاعلهن فعلن در بحر خفیف سروده شده است.

آب حلبه بگير و پاره گل	ضم کنش با بنفشه سوده
مرو را با زغیر خرد بسای	تا شود مرهمی برآسوده
رشته بیرو[ن] او کند چو موی ز ماست	خواه تازه و خواه فرسوده

(اعرج: ۱۸۴)

بیماری رشته به عرق مدنی مشهور است و نوعی آلودگی انگلی است که به‌صورت تاول بر پوست ظاهر می‌شود. برخی معتقد هستند این بیماری از تجزیه و فساد یک عصب پدید می‌آید و در نتیجه انسان گمان می‌کند چیزی در زیر پوست حرکت می‌کند (اولمان، ۱۳۸۳: ۱۱۳). عجزی درباره این بیماری می‌گوید: در مدینه بسیار است. علت آن عفونت بلغم

است. به علت گرمای هوا چون طبیعت می خواهد آن را دفع کند رگ بیرون می زند و پاره می شود. موضع را باید چرب کرد و گرم نگه داشت تا به آسانی خارج شود. سپس مرهمی را از حاوی رازی منقول کرده و ایبات فوق را از بوعلی برای درمان آن می آورد.

طب منظوم عجزی در بیان مفاهیم شرح و بسط دارد. برای مثال در امراض روده و مقعد در دوازده فصل به شرح آن پرداخته است. نمونه دیگر در بیماری داء الثعلب است. حکیم به تفصیل به شرح آن می پردازد؛ او می گوید: «اول رنگ عضوی که مویش ریخته را ببین اگر سفید است علت آن از بلغم است. مخصوصاً اگر بیمار فربه و مزاجش سرد باشد به او مسهل بلغم بده تا زودتر علاج یابد. سپس با تخم ترب و با عسل قی بفرما و بعد از آن به او ایارج فیکرا بده» و چند نسخه دیگر آمده است. او می گوید: «اگر موضع علت زرد است علت آن صفراست. اول دفع صفرا به مطبوخ هلیله کن» و سپس دستور ساخت حبی را که برای داء الثعلب مفید است، از مجربات موجز مکی می آورد. عجزی علاوه بر تجربیات خود نسخه هایی از دیگر طبیبان هم به کار برده است.

در درمان عرق النساء که یکی از بیماری های وجع المفاصل است. حکیم گفته است که اگر سبب آن از خون باشد فصد باسلیق کن و اگر بهتر نشد باید رگ عرق النساء را بگشایی. اگر هم سبب از بلغم باشد یا خلط دیگر باید آن خلط را اخراج کنی و درمان آن مانند نقرس است. عجزی علاوه بر آن صفت حبی را از کتاب *براء الساعه* رازی بیان می کند.

از ویژگی های دیگر منظومه اینکه مطالب به صورت مجزا و دسته بندی شده در غالب فصل بیان شده اند که هر فصل خود از چند باب تشکیل شده است. مطالب دارای دسته بندی و نظم خاصی است.

عجزی در خاتمه کتاب مطالبی درباره سم ها و زهرها نوشته که بیانگر اندیشه های ضد زن سراینده است. او می گوید این اسرار را به پیش کس مگو مخصوصاً زنان، افراد فاسد و کودکان زیرا این افراد دارای عقل بالغه نیستند و اگر یک روز بر کسی قهر گیرند یا دشمن

شوند، از عذاب حق نترسند و اگر این علم را از تو یاد بگیرند، تو در گناه آن‌ها شریک هستی. همواره در جامعه برخی از افراد برای اهداف گوناگون از علم برای استفاده‌های نامشروع و رسیدن به اهداف پلید بهره می‌برند. اما تعمیم دادن آن فقط به زنان شایسته نیست و در بررسی سطح فکری سراینده، اثر مطلوبی ندارد. رازی دربارهٔ پزشکان شیادی که در زمان او به بغداد هجوم آورده بودند، می‌نویسد: «پزشکان شیاد و مدعیان طبابت به فن‌ها و حیل‌هایی دست می‌زنند که تمام رساله‌ای که من در نظر داشتم بنویسم برای توجیه آن کافی نخواهد بود. کارهای بی‌شرمانه و گستاخی‌های جسورانهٔ آنان که بدون هیچ دلیل و منطق مردم را در آخرین ساعت زندگی متألم می‌سازند همسان مجرمیت واقعی است» (الگود، ۱۳۷۱: ۲۸۶). در این میان، طبیبان زنی هم بودند که در امر طبابت حتی از مردان موفق‌تر بودند. موفقیت پزشکان زن رازی را بر آن داشت که جزوهٔ ویژه‌ای بنویسد. با این عنوان: «چگونه پزشکان غیر حاذق، مردم عادی و زنان در پاره‌ای از شهرها در معالجات خود بیش از پزشکان دانشمند موفق می‌شوند» (همان: ۲۸۸).

در مجموع از بررسی سطح فکری و محتوایی نسخه مشاهده شد که ارزش علمی و محتوایی آن درخور توجه است. سراینده تقریباً بیشتر مباحث طب سنتی تا روزگار خود را در قالب نظم بیان کرده است. بخش‌بندی مطالب و بیان منسجم بیماری‌ها در نظم خاصی صورت گرفته است. از جمله کامل‌ترین مباحث مطرح‌شده در این منظومه، بخش‌هایی در بیان انواع نبض، انواع تب، بیماری‌های چشم و بیماری‌های مربوط به زنان است. در این منظومه، نشانه‌ای از اندیشه‌ها و باورهای عامه، خرافات و علوم غریبه که در آن روزگار بخشی از علم طب محسوب می‌شد، دیده نمی‌شود. همهٔ مطالب مطرح‌شده جنبهٔ علمی دارد و برگرفته از دانش پزشکی و تجربیات عجزی، پدرش، استادان و اطبا همان است.

۵. نتیجه‌گیری

یکی از آثار ناشناخته، طب منظوم اثر حکیم عبدالکریم اعرج است. این منظومه در قرن هشتم و در ۶۸۹۶ بیت به وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنی مقصور) سروده شده است. نگارندگان در این مقاله به بررسی منظومه در سه سطح صوری و زبانی که خود به سه بخش آوایی، نحوی، لغوی تقسیم می‌شود، سطح بلاغی و سطح فکری محتوایی پرداخته‌اند. در بررسی‌های به‌عمل‌آمده، سطح آوایی پس از بررسی وزن و قالب، انتخاب قالب مثنوی به دلیل داشتن گنجایش بالا برای بیان مطالب دامنه‌دار علمی مناسب است. در ابیاتی از این منظومه، ردیف به کار رفته است. سراینده در قافیه‌ها از اختیارات شاعری و اختلاف در حرف روی بهره برده است. در ابیاتی عیوب قافیه مشهود است. البته برخی از آن‌ها ممکن است خطای کاتب باشد. انواع عیوب قافیه از جمله اکفا و اقوا دیده می‌شود. در چند بیت، تجنیس به کار رفته است. بررسی سطح نحوی در این منظومه نشان می‌دهد ترتیب ارکان جمله‌ها زیاد دشوار نیست و ساختار غیرمتعارف دیده نمی‌شود. در سطح لغوی منظومه ملاحظه شد کلمات متروک و کهنه در این منظومه دیده می‌شود. اصطلاحات و کلمات طب سنتی فراوان به کار رفته است. همچنین کاربرد لغات عربی با توجه به دوره سبک عراقی فراوان دیده می‌شود. پس از پژوهش مشخص شد سطح بلاغی منظومه جایگاه چندانی ندارد. سراینده بیشتر طیب بوده تا یک شاعر. او قصد هنرنمایی نداشته است. موارد محدودی هم که از آرایه‌های ادبی بهره برده، بیشتر در خدمت بیان مطالب علمی است. اما سطح علمی و فکری منظومه درخور توجه است. با توجه به اینکه نگارش این نسخه مربوط به قرن هشتم هجری است ما را با اطلاعات طبی آن روزگار آشنا می‌سازد. سراینده این منظومه را با هدف رساندن خیر به مردم بدون انگیزه‌های مادی سروده است. حکیم به شرح ۱۳۵ بیماری، علائم، راه‌های درمان و روش ساختن داروهای مناسب برای هریک از آن‌ها پرداخته است. او علاوه بر تجربیات پزشکی خود از آثار دیگر اطبا نیز بهره برده است. بیشترین توجه او به قانون بوعلی سینا و موجز مکی است. از مطالب ارزشمند منظومه که ظاهراً برای اولین بار به آن پرداخته شده است و تاکنون در

جایی به ثبت نرسیده، سه بیت از بوعلی سیناست که سراینده آن‌ها را در مبحث بیماری رشته مستقیماً از بوعلی آورده است. وزن این بیت‌ها با وزن کل منظومه متفاوت است. این ابیات در وزن فاعلاتن مفاعلن فعلن بحر خفیف سروده شده است. از نکات حائز اهمیت نسخه، اشاره سراینده به اخلاق پزشکی و نصایح مفید برای پزشکان است. توصیه او در اعتراف به خطای پزشکی توسط طبیب در صورت بروز اشتباه قابل تحسین و توجه است. نکته منحصربه‌فرد منظومه رعایت فصل‌بندی بیان مطالب است. عجزی ابتدا مطالب را در چهار مقاله و هر مقاله در چند گفتار و هر گفتار به چند فصل پرداخته است.

منابع

۱. اشپولر، برتولد (۱۳۶۵)، *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: علمی و فرهنگی.
۲. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۶۵)، *تاریخ مغول*، چ ۵، تهران: امیرکبیر.
۳. — (۱۳۸۰)، *تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری*، تهران: نامک.
۴. احمد خیشکی خورجوی، عبدالعلیم خان (۱۳۸۹)، *شرح رباعیات طب یوسفی*، تصحیح محمدباقر مینایی و داریوش محمودی، تهران: آبز.
۵. الاخوانی البخاری، ابوبکر ربیع ابن احمد (۱۳۷۱)، *هدایة المتعلمین فی الطب*، به‌اهتمام جلال متینی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. اعرج (متخلص به عجزی)، عبدالکریم (قرن ۱۱)، *طب منظوم*، نسخه خطی شماره ۷۵۷، کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار، تهران.
۷. الگود، سیریل (۱۳۵۷)، *طب در دوره صفویه*، تهران: دانشگاه تهران.
۸. — (۱۳۷۱)، *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه باهر مزقانی، تهران: امیرکبیر.
۹. اولمان، مانفرد، (۱۳۸۳)، *طب اسلامی*، ترجمه فریدون بدره‌ای،

تهران: توس.

۱۰. براون، ادوارد (۱۳۵۱)، **طب اسلامی**، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.

۱۱. درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)، **فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)**، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۱۲. روستایی، محسن (۱۳۸۲)، **تاریخ طب و طبابت در ایران از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه**، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه‌های ایران.

۱۳. سیاسی، محمد (۱۳۹۷)، **طبییان شاعر**، تهران: میرماه.

۱۴. — (۱۳۸۹)، **پزشکی در شاهنامه و نوشدارو و افیون در ادبیات فارسی**، تهران: میرماه.

۱۵. شمیسا، سیروس (۱۳۶۷)، **آشنایی با عروض و قافیه**، تهران: فردوس.

۱۶. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۱)، **تاریخ ادبیات ایران در قلمرو زبان پارسی از آغاز عهد اسلامی تا دوره سلجوقی**، تهران: فردوس.

۱۷. عمارت‌کار، الهام و کریمی، زهرا (۱۳۹۴)، «معرفی منظومه طبی جامع الفوائد»، فصلنامه **تاریخ پزشکی**، سال هفتم، شماره ۲۴، ۱۵۷-۱۸۳.

۱۸. غلامرضایی، محمد (۱۳۸۱)، **سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو**، تهران: جامی.

۱۹. قبادیانی، عباس (۱۳۸۷)، **تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره مغول**، فرهنگ

مکتوب چهارم، تهران. ۲۰. قوام ناگواری، شهاب‌الدین بن عبدالکریم (۱۳۹۳)، **شفاء المرض (طب شهابی)**، تصحیح علی قبادی و رضا مکنت‌جو، تهران: چوگان.

۲۱. کمالوند، مریم و مسجدی، حسین (۱۳۹۵)، **طبیانه‌های سعدی**، تهران: منشور سمیر.

۲۲. کمالوند و همکاران (۱۳۹۷)، «بررسی کتاب **طب منظوم** اثر عبدالکریم اعرج متخلص

- به عجزی» (قرن هشتم قمری)، فصلنامه تاریخ پزشکی، دوره ۱۰، شماره ۳۷.
۲۳. لوسین، بوات (۱۳۸۴)، تاریخ مغول، ترجمه محمد بهفروزی، تهران: آزادمهر.
۲۴. لین پول، استانلی (۱۳۶۳)، طبقات سلاطین اسلام، ترجمه عباس اقبال، چ ۲، تهران: دنیای کتاب.
۲۵. مالی، یاسر و رضایی، احسان (۱۳۹۴)، سرگذشت پزشکی در ایران، تهران: افق.
۲۶. ملک الاطباء، محمدتقی (۱۳۹۳)، کلیات طب (منظوم)، تهران: چوگان.
۲۷. _____ (۱۳۸۲)، مجموعه طبی مشتمل بر کلیات طب منظوم، حافظه الصحه، تسهیل العلاج، بحرانیه، وبائیه کبیر، و بائییه صغیر، مفرق الهیضه والوباء، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران.
۲۸. مدنی، احمد (۱۳۹۰)، طبیبانه‌های حافظ، شیراز: دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
۲۹. میسری، حکیم (۱۳۶۶)، دانشنامه در علم پزشکی، به‌اهتمام برات زنجانی، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبه تهران.
۳۰. نجم‌آبادی، محمود (۱۳۶۶)، تاریخ طب در ایران پس از اسلام، تهران: دانشگاه تهران.
۳۱. نظمی تبریزی، علی (۱۳۶۳)، دویست سخنور (تذکره الشعراى منظوم و منثور)، چ ۲، تهران: علمی. ۳۲. نفیسی، سعید (۱۳۱۶)، «آثار فارسی ابن‌سینا»، مجله مهر، سال چهارم، شماره ۱۲، ۱۲۰۰-۱۲۱۱.
۳۳. یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۸۵)، «حافظ و یک غزل ناب پزشکی»، نشریه ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی خوی، سال دوم، شماره ۷، ۱-۱۲.
۳۴. یوسفی هروی، یوسف بن محمد (۱۳۸۹)، طب یوسفی، گرد آورنده حسین خیراندیش، قم: گنج عرفان.